

بررسی اصول، مبانی و انواع فیلترینگ در فضای مجازی با هدف پیشگیری از جرم و فحشا در فضای مجازی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۰۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۲۰)

ذبیح الله دریکوند^۱

سرهنگ دکتر محمد جعفری

چکیده

فیلترینگ در حقیقت محدود کردن دسترسی کاربران به محتواهای موجود در اینترنت و وب است که به نوعی سانسور کردن آن محتوا می باشد. این محتوا ممکن است سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... باشد که مشاهده آن برای کاربران نامناسب بوده و توسط کارگروه فیلترینگ فیلتر شده باشد. دنیای اینترنت و در عصر کنونی، عجین شدن افراد با اینترنت فرصت را برای رشد و در تقابل آن برای افزایش آسیب ها فراهم می آورد. قطعاً هیچ چیز کامل نیست و هر چیزی که در این دنیا وجود دارد یک اثر مثبت و منفی دارد. خطراتی که در دنیای آزاد اینترنت می توان به آن ها اشاره نمود را می توان به آسیب های روانی و فیزیکی تقسیم بندی کرد. اکثر فیلتر ها ویژگی های دیگری هم دارند، از جمله کنترل زمان استفاده، ثبت گفتگو های اینترنتی (Chat) و گزارش دهی وقایع و بسیاری قابلیت های دیگر. همه این ویژگی ها در تلاش هستند تا خانواده ها را امن نگه دارند و راهنمایی هایی در این مورد نیز وجود دارند که چطور از این فیلتر ها بر روی کامپیوتر ها و دستگاه های متصل به اینترنت استفاده کنیم. وقتی از این دید به قضیه نگاه کنیم می بینیم که با وجود فیلتر ها امنیتان در فضای اینترنت برقرار است. یکی از اثرات مخرب جانبی فیلتر ها را می توان، اثر سوء احساس امنیت دانست. در این مقاله قصد داریم به بررسی اصول، مبانی و انواع فیلترینگ در فضای مجازی با هدف پیشگیری از جرم و فحشا در فضای مجازی بپردازیم.

واژگان کلیدی: فیلترینگ، پروکسی، فضای مجازی، اینترنت، پیشگیری از جرم، فیلتر شکن،

وب سایت، فحشا



بخش اول: کلیات و شناسایی فیلترینگ در فضای مجازی

فیلترینگ اینترنتی یا فیلترینگ، عبارت است از محدود کردن دسترسی کاربران اینترنت به وب گاه ها و خدمات اینترنتی که از دیدگاه متولیان فرهنگی و سیاسی هر کشور برای مصرف عموم مناسب نیست، اعمال فیلتر به وسیله ارائه دهندگان خدمات اینترنتی انجام می شود ولی تعیین سطح، مصادیق و سیاست های فیلترینگ با حکومت هاست. (دزیانی، ۱۳۸۳: ۶۶) امروزه در دنیایی زندگی می کنیم که بدون وجود اینترنت جریان زندگی و بسیاری از فعالیت های روزانه با اخلال مواجه می شود و هر روز وابستگی زندگی به این فضا بیشتر می شود. در این شرایط کشورها در ارائه خدمات مختلف بر بستر اینترنت و گسترش دولت الکترونیک با هم در رقابتی فشرده هستند و گسترش خدمات الکترونیک به یکی از شاخص های توسعه تبدیل شده است. علاوه بر ارائه خدمات الکترونیک بسترهای مختلفی جهت ارتباطات؛ اطلاع رسانی؛ آموزش؛ سرگرمی و... در این فضا بوجود آمده که دولت های مختلف سعی در بهبود و گسترش دسترسی شهروندان خود به این فضا با سرعت و کیفیت مناسب دارند. در کشور ما افرادی موظف شده اند که تشخیص دهند بهتر است مردم به چه بسترهایی دسترسی داشته و به چه بسترهایی دسترسی نداشته باشند حال بدون تحلیل این مسئله که آیا این روش مناسب است یا خیر و یا اصلاً نتیجه ای داشته نمپردازیم چون پاسخ آن برای عموم روشن است. فقط مسئولین محترم باید بدانند که با انجام این اقدامات موجب تخریب وجه نظام عزیزمان در جوامع بین الملل شده اند و از طرفی باعث شده اند که امروزه در کشور همه افراد در همه سنین از فیلتر شکن استفاده کنند که خود بستری برای دسترسی به محتوای بسیار نادرست توسط نوجوانان شده است. گذشته از همه این مسایل موضوعی که افکار عمومی را به خود مشغول کرده و سوال ایجاد می کند نحوه تصمیم گیری در این خصوص است که مسئولین مربوطه باچه معیارهایی تصمیم فیلتر شدن یک بستر ارتباطی را اتخاذ می نمایند؟ و چرا وقتی یک بستر بخصوص مثل توئیتر فیلتر شده همه مردم و مسئولین همچنان در آن فعالیت می نمایند؟ یا چرا بستر مناسبی مثل یوتیوب که دسترسی افراد را به هزاران کانال علمی؛ آموزشی و مهارتی آسان می کند و می تواند بستر خوبی برای تبلیغات و معرفی کشورمان به سایر ملت ها باشد فیلتر است ولی اینستاگرام که عملاً فضایی بسیار نامناسب تر است فیلتر نشده است؟ البته این

به این معنا نیست که اینستاگرام نیز فیلتر شود فقط افکار عمومی می خواهند دلایل این تصمیمات را بدانند. قطع کردن اینترنت یا فیلترینگ در شرایطی خاص که امنیت عموم در خطر است در همجای دنیا مرسوم است و برای عموم قابل قبول اما حتما در شرایط عادی برای این اقدامات نیاز به شفافیت و پاسخ قانع کننده می باشد. لازم است مسئولین بدانند که امروزه مردم راه های مختلفی برای دسترسی به آنچه آن ها مسدود و یا ممنوع کرده اند مثل شبکه های ماهواره ای و یا بستر های فیلتر شده وجود دارد و عملا اینگونه اقدامات تنها موجب دشمن شاد شدن ملت و داشتن سوژه جهت حمله به نظام می شود و عملا این مسئولین با اینگونه اقدامات نظام قدرتمند را در موضع ضعف در قبال چند کانال و شبکه معلوم الحال قرار می دهند. (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷: ۵۴)

بخش دوم: مفهوم و کارکرد ابزارهای محدود کننده دسترسی به فضای سایبر

به طور کلی سازوکارهایی که می توان از رهگذر آنها آزادی عمل در فضای سایبر را سامان دهی کرد عبارتند از: فیلترها و تدابیر صدور مجوز که در زمره تدابیر محدود کننده دسترسی افراد به محتوا و برنامه های رایانه ای قرار می گیرند. هر دوی این ابزارها فنی بوده و بستر اجرایی مشترکی دارند، ولی با توجه به هدف طرح ریزی، تولید و اجراء تفاوت هایی با یکدیگر دارند که شناسایی آنها مفید است. (دزیانی، ۱۳۸۳: ۲۵) فیلترها از مهم ترین تدابیر پیشگیرانه از جرم های سایبری اند که تقریباً از همان ابتدا برای جلوگیری از وقوع تعرض های رایانه ای به کار می رفتند و به همین دلیل، همپای فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی رشد کرده و تکامل یافته اند و اکنون نمونه های بسیاری از آنها در موقعیت های مختلف شبکه ای و سیستمی به کار می روند. در اینجا، با نصب سیستم ها یا برنامه های خاص روی گره های دسترسی به شبکه - یعنی رایانه های شخصی، مسیر یاب ها، سیستم های ارائه دهنده خدمات شبکه ای و از همه مهمتر ایجاد کنندگان نقطه تماس بین المللی - از ورود یا فرستادن داده های نامجاز یا غیرقانونی جلوگیری می شود. از نمونه های دیگر می توان به دیوارهای آتشین و پراکسی ها اشاره کرد که مبناء عمل آنها فهرستی از موضوع های مجاز یا نامجاز است که براساس فرایند انطباق عمل می کنند. (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶: ۷۰) چنانچه مسئولان ذیربط تشخیص دهند که یک موضوع در چهارچوب استیفاء مشروع حق آزادی بیان نمی گنجد، ساده ترین اقدامی که می توانند انجام دهند این است که با وارد کردن



مشخصات سایت موردنظر در فهرست سیاه یا عدم درج آن در فهرست سفید فیلترها، از دسترسی کاربران به آن جلوگیری کنند. (میرخلیلی، ۱۳۹۷: ۸۱).

در تدابیر صدور مجوز، براساس معیارهای خاص، از ورود اشخاص ناشناس یا فاقد اعتبار جلوگیری می شود. نمونه ساده آن به کارگیری گذر واژه است. به این ترتیب، فقط کسانی حق بهره برداری از یک سیستم یا سایت را خواهند داشت که پس از طی مرحله های شناسایی و کسب اعتبار لازم، گذر واژه دریافت کنند. ممکن است این مجوز براساس سن، جنسیت، ملیت، دین یا گرایش های خاص فکری داده شود. امروزه، در این حوزه پیشرفت های بسیاری صورت گرفته است. برای مثال، برای ارتقاء امنیت، از شیوه های بیومتریک نیز استفاده می شود و به جای گذر واژه یا افزاون بر آن، از اسکن عنبیه یا شبکیه چشم یا اثر انگشت برای شناسایی فرد استفاده می شود تا ضریب خطا به حداقل برسد. (عالی پور، ۱۹، ۱۳۸۳) صدور مجوز یکی از مناسب ترین راههای سامان دهی بهره برداری از فضای سایبر به منظور ابراز آزادانه عقاید است: نخست، امکان دسترسی همگان به داده های خاص وجود ندارد و بدین وسیله سوء استفاده افراد ناصالح به حداقل می رسد، در حالی که به افراد اجازه داده می شود که آزادانه و بدون واهمه دیدگاه های خود را درباره مسائل مختلف به آگاهی مراجع مسؤول و دیگران برسانند؛ دوم، از بروز نقاط ضعف فیلترها که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، جلوگیری می شود (هر چند بهره برداری از این مزیت به بسترسازی لازم از سوی مراجع ذیربط بستگی دارد). (آزادفلاح، ۱۳۹۷: ۶۶).

بخش سوم: محدودیت ها ابزارهای محدود کننده دسترسی به فضای سایبر

با ملاحظه نقاط ضعف ابزارهای محدود کننده دسترسی مشخص می شود که به کارگیری آنها در قالب تدابیر پیشگیرانه وضعی سایبری به طور عمده حالت مسکن داشته و راه حلی بنیادین و اساسی انگاشته نمی شود و بهتر است به تدابیر پیشگیرانه اجتماعی اولویت داده شود. (دزیانی، ۱۳۸۳: ۷۷) مهمترین ایراد وارد بر فیلترینگ این است که با ابزاری فاقد فکر با طیف گسترده ای از انسان های با فکر مبارزه می شود. درست است که فهرست عنوان های مختلف و گونه گونه آن را یک یا

چند نفر از همین انسان ها تهیه می کنند، باز همین برنامه ها هستند که براساس فرایند انطباق، از دسترسی به محتوای غیرقانونی جلوگیری می کنند. (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶: ۷۲)

فیلترینگ برای مبارزه با فضایی طرح ریزی می شود که همواره پویاست. لحظه به لحظه بر گستره آن افزوده می شود و موضوع های جدید با عنوان های جدید به آن می پیوندند و هرگونه مجال برای روزآمد کردن فهرست فیلترها از تولیدکنندگان آنها سلب شده است. بنابراین، هیچ گاه نمی توان انتظار داشت که این برنامه ها بتوانند براساس شرایط و اوضاع و احوال جدید عمل کنند. (همان) به طور کلی، ماهیت فنی فیلترینگ به گونه ای است که همواره در معرض دو خطا قرار دارد: مسدود سازی بیش از اندازه و مسدود سازی کمتر از اندازه. صورت نخست که بیشتر هم شایع است، در جایی بروز می یابد که تولیدکنندگان فیلترها برای به حداکثر رساندن کارآیی برنامه خود چنان حساسیت آن را بالا می برند که هرگونه مورد مشکوک را دسترس ناپذیر می سازد. به طور کلی، می توان عوامل منع بیش از اندازه را در سه مورد خلاصه کرد. (خراسانی، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

از آنجا که مبناء سنجش یک صفحه وب سایت به یک سیستم فاقد فکر سپرده شده ممکن است هرگونه مورد مبهم را هم سانسور کند. آنچه در حوزه فیلترینگ در دسر ساز است، موضوع های به اصطلاح خاکستری اند. موضوع های مبهم یا به اصطلاح دوپهلویی که تصمیم گیری درباره درستی یا نادرستی آنها دشوار است؛

اطلاعات موجود در اینترنت همواره در حال نو شدن است. بنابراین ممکن است، محتوایی که به خاطر آن وب سایتی دسترس ناپذیر شده اصلاح یا حذف شده باشد. اما تا زمانی که فهرست فیلترها اصلاح نشود، آن وب سایت مجاز مسدود خواهد ماند. ممکن است یک سایت هم محتوای مناسب و هم محتوای نامناسب داشته باشد. ولی از آنجا که معمولاً فیلترها توانایی تفکیک این دو را ندارند، کل سایت را دسترس ناپذیر می کنند. (همان، ۸۴)



همچنین، عوامل مسدودسازی کمتر از اندازه را می توان چنین خلاصه کرد:

هر لحظه موضوع های جدیدی به اینترنت افزوده شود و محتوای صفحه های وب نیز تغییر می کند. در صورت تغییر محتوا باید فهرست فیلترها نیز تغییر کند که کار دشواری است. با اینکه تولید کنندگان فیلترها در مقاطع خاصی محصولات خود را روزآمد می کنند، باز هرگز نمی توانند فاصله خود را با پیشرفت خیره کننده فضای شبکه ای و محتوای آن متناسب کنند؛

الگوریتم های مورد استفاده برای شناسایی محتوای نامجاز (یعنی فنون رایانه ای) ناقص اند. برای مثال، اگر در یک حوزه اصطلاح ها یا کلید واژه های جدیدی رایج شوند، تا زمانی که شناسایی و به فهرست فیلترها افزوده شوند، به اندازه کافی در دسترس همگان قرار داشته و تأثیر خود را خواهند گذاشت؛

بسیاری از سایت های نامجاز، نام های دامنه ای دارند که بسیار شبیه سایت های معتبراند. برخی از سایت های نامجاز فقط در پسوند نام یعنی net, gov, com و امثال آن با یک سایت مجاز تفاوت دارند. اگر فیلتر مورد نظر نتواند این دو را از یکدیگر تفکیک کند، یا باید برای دسترسی به سایت مجاز از دسترس ناپذیر کردن سایت نامجاز صرف نظر کند، یا اینکه از دسترس پذیر بودن سایت مجاز خودداری نماید. (همان)

در کنار این گونه مشکلات فنی، باید هزینه تهیه و از آن مهم تر روزآمد نگه داشتن این ابزارها را هم مورد توجه قرار داد. به کارگیری آنها از عهده اشخاص عادی خارج است و نیاز به متخصصان ویژه دارد که در اینجا نیز باید هزینه های آموزش و روزآمد نگه داشتن حوزه تخصص آنان را هم مورد نظر قرار داد. از این رو، هنگام تصمیم گیری درباره به کارگیری این فناوری ها که حتی یک لحظه هم به دوام آنها امیدی نیست، باید واقع گرایانه و سنجیده تصمیم گیری شود.

بخش چهارم: بررسی و شناخت انواع فیلترینگ

DNS فیلترینگ از طریق آدرس متناظرش را ترجمه می کند. آدرس سروری که سرویس IP را به (Domain) نام هر دامنه DNS سرویس در اختیار ISP را ارائه می دهد، به طور اتوماتیک و



در هنگام برقراری اتصال به اینترنت از طریق DNS سانسور کننده باشد، کلیه درخواست ها برای سایت های DNS کامپیوتر شما گذاشته می شود، اگر این سرور غیر مجاز را بی پاسخ بگذارد.

بند اول: فیلترینگ به وسیله پروکسی

دسترسی مستقیم به اینترنت را محدود کرده و شما را ملزم به استفاده از پروکسی ISP می کند. در این روش داده را وارد کرده، کلیه درخواست ها به پروکسی ISP باید در تنظیمات مرورگر، آدرس پروکسی سروری را که فرستاده می شود و در صورت مجاز بودن درخواست، پروکسی آن را از اینترنت گرفته و برایتان ارسال می کند.

بند دوم: فیلتر کردن به کمک مسیریاب ها

مسیریاب طوری تنظیم می شود که ترافیک خروجی شبکه را به سمت (Gateway) در قسمت انتهایی شبکه یک سیستم خاص منحرف کند؛ کلیه درخواست ها از این سیستم عبور داده می شوند و در صورت وجود سایت های غیرمجاز، جریان اطلاعات بلوک می شود. (نیازپور، ۱۳۹۹: ۵۷)

بند سوم: فیلترینگ به کمک سانسورافزارها

این نرم افزارها بیشتر در منزل (برای کنترل والدین بر فرزندان)، مدارس و دانشگاهها استفاده می شوند و در حقیقت نوعی فیلترینگ سفارشی هستند که در کشورهایی مثل آمریکا به کار گرفته می شوند. مانند Net، Nanny، Cyber sitter، Cyber portal.

بند چهارم: فیلترینگ به کمک مسدود کردن پورتها

پورتها مانند درهایی هستند که سرور از طریق آنها سرویس هایش را ارائه می دهد. اگر پورتی بلوک شود، تمام سرویس هایی که از طریق آن پورت ارائه می گردد، غیرقابل دسترس می باشد. بیشتر پورت های ۸۰، ۳۱۲۸، ۸۰۸۰ مسدود می شوند، زیرا پورت های متداول برای پروکسی ها هستند. (خراسانی، ۱۳۸۱: ۱۰۱).



بند پنجم: لیست سیاه و لیست سفید

لیست سیاه: شامل آدرس مجموعه سایت هایی است که دسترسی به آنها مجاز نمی باشد. گاهی هم از کلمات کلیدی استفاده می شود به طوری که اگر در سایت مورد درخواست این کلمات وجود داشته باشد بلوک می شود.

لیست سفید: شامل آدرس مجموعه سایت هایی است که دسترسی به آنها مجاز می باشد و در سازمان هایی استفاده می شود که می خواهند کارمندان شان فقط به تعداد معدودی سایت دسترسی داشته باشند.

بند ششم: فیلترینگ معکوس

این نوع فیلترینگ در مقصد انجام می شود. سرور شرکت ارائه دهنده خدمات، قبل از ارائه هرگونه سرویسی، مشتری را چک می کند و در صورتی که متعلق به یک کشور تحریم شده باشد، ابتدا از ارائه سرویس IP سرباز می زند. (همان: ۷۳)

بخش پنجم: بررسی و شناخت اجمالی و کلی مزایا و معایب فیلترینگ در فضای مجازی

برخی از مزایای فیلترینگ را چنین برشمرده اند:

- مانع افزایش سریع فسادهای اخلاقی.
- کاهش سستی ایمان در جامعه.
- مانع کلاهبرداری های کلان اینترنتی.
- مانع گسترش اطلاعات غلط و نادرست.
- مانع زیر سؤال رفتن شخصیت اشخاص.
- جلوگیری از ضربه های اقتصادی به سازمان ها و نهادها. (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶: ۲۹)
- برخی از معایب فیلترینگ را چنین برشمرده اند:

- باعث کندی سرعت اینترنت و اتلاف وقت کاربران و قشر تحصیل کرده می شود.
- باعث تضعیف حوزه فناوری اطلاعات و کاربردهای آن در بخش تجارت می شود.
- باعث بی جهت فیلتر شدن بسیاری از سایت های علمی (مخصوصاً پزشکی می شود.
- باعث از بین رفتن حرمت قانون و قبح قانون شکنی می شود.
- باعث کاهش ارتباطات مفید در سطح جهانی می شود.
- باعث صرف وقت و هزینه های بسیار زیاد می شود.
- سبب استفاده سودجویان برای کاهش امنیت اطلاعات می شود.
- گاهی از انتشار بعضی خبرهای واقعی و لازم برای جامعه جلوگیری می کند. (آزادفلاح، ۱۳۹۷: ۶۶).

بخش ششم: مبانی فقهی پیشگیری از جرم و فحشا در فضای مجازی به واسطه فیلترینگ به عنوان یک الزامی شرعی و قانونی

از آنجا که فیلترینگ در عمل مانع جرم و فحشا در محیط مجازی می گردد لذا در این قسمت ادله فقهی، پیشگیری از جرم و مشروعیت فیلترینگ ثابت می گردد.

بند اول: پیشگیری فراگیر

از جمله برنامه های جامع قرآن کریم، راهکارها و آموزه هایی است که برای پیشگیری جرایم و خشکاندن علل و عوامل آن و تأمین امنیت جامعه فراروی جامعه انسانی قرار داده است؛ برنامه ای که در نوع خود بی نظیر می باشد. قرآن کریم با برنامه اصلاحی، مانع از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم و ورود او به زندگی مجرمانه می گردد. همچنین با راهنمایی معقولانه و زیرکانه، جرم را در مرحله عملیاتی و اقدام، خنثی و متوقف می سازد. نیز با دستور به مجازات مجرمان و ضمانت اجرای کیفری و ارباب ناشی از آن، به پیشگیری کیفری از جرم می پردازد. (صفاری، ۱۳۸۰: ۱۰۷) هنگامی یک برنامه پیشگیری کامل، فراگیر و واقع بینانه است که برای تمامی مراحل و زمینه های ارتکاب جرم طراحی و اجراء شود و در همه آنها وظیفه بازدارندگی را به نحو شایسته انجام دهد. بر اساس تحلیل روان شناسانه، معمولاً افراد مراحل زیر را در هنگام



ارتکاب جرم طی می کنند؛ اولاً، آگاهانه و براساس اراده و اختیار به منظور جلب منفعت مادی و دفع ضرر، تصمیم به ارتکاب جرم می گیرند؛ و ممکن است زمینه ساز چنین اقدامی، عوامل پنهان و آشکار مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی باشد. ثانیاً، در هنگام اجرای این تصمیم، سعی می کنند ضمن کسب سود، از ضررهای ناشی از اقدام مجرمانه (نظیر دستگیری، آبروریزی، تحقیر و مجازات) نیز مصون بمانند. ثالثاً، اهداف و آماج سهل الوصول و بدون حفاظت مؤثر را به عنوان طعمه برمی گزینند. بنابراین، برای هر فرد در هنگام ارتکاب جرم و عملی کردن آن، عوامل زیر تعیین کننده است: محاسبه و تضمین سود، احتراز از خطرات و عوارض منفی ارتکاب جرم و فقدان مانع و رادع مؤثر، وجود یک آماج مستعد (بزه دیده)، اعم از انسان و اشیاء هیچ عاقلی بدون در نظر گرفتن این عوامل دست به ارتکاب جرم نمی زند. (خراسانی، ۱۳۸۱: ۱۰۴). قرآن کریم با طراحی یک سیاست فراگیر، با همه این مراحل و عوامل به مبارزه برخاسته است؛ با پیشگیری اصلاحی، تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی بر اساس آموزه های وحیانی و تقویت جنبه های معنوی و رفع فقر و ایجاد تعهدات مذهبی و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، درصدد تأثیرگذاری در مرحله تصمیم گیری افراد است تا آنان با اتخاذ تصمیم های غلط و ناروا وارد دنیای جرم و جنایت و خلاف کاری نشوند. در صورتی که شیوه های مرحله اول مؤثر واقع نشود و فرد تصمیم قاطع به ارتکاب جرم بگیرد، قرآن با راهنمایی به استفاده از پیشگیری وضعی از طریق کاهش فرصت ها و دستاوردها و موقعیت های ارتکاب جرم و سلب ابزار و آلات آن و افزایش میزان خطر دستگیری و حفاظت از آماج جرم، وقوع جرم را ممتنع و خنثی می نماید یا حداقل کاهش می دهد. (همان: ۱۰۹) مطابق این شیوه، باید وضعیتی ایجاد شود که تحقق عمل مجرمانه دشوار و پرخطر یا ناممکن گردد (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۴۳) نیز با دستور به مجازات مجرمان و ایجاد رعب در بین همه آنانی که مستعد ارتکاب جرم هستند، ما را به پیشگیری کیفری رهنمون کرده است. قرآن کریم برای پیشگیری از جرم، برخلاف مکتب تحقیقی و پوزیتیویستی، تنها به اصلاح مجرم و رفع زمینه های فردی و اجتماعی گرایش های مجرمانه، بسنده نکرده است و نیز همانند مکاتب سزادهی تنها پیشگیری کیفری و مجازات مجرم را توصیه نکرده است، بلکه سیاست پیشگیری فراگیر و واقع بینانه ای را در این زمینه ارائه داده است و این همان دیدگاه و نتیجه ای است که امروز جرم شناسان و حقوقدانان پس از سال ها بحث و جدل بدان دست یافته اند و رسماً



اعلام کرده اند که برای مبارزه با جرایم باید از همه روش های پیشگیری در کنار هم استفاده کرد و همه آنها مکمل یکدیگرند. (صفاری، ۱۳۸۰: ۱۱۱) اینک هر سه نوع این پیشگیری را بر اساس آیات قرآن به طور خلاصه مورد بررسی قرار می دهیم:

الف) پیشگیری اصلاحی

در پیشگیری اصلاحی سعی بر این است که با تعلیم و تربیت صحیح افراد، رشد و تعالی فکری و فرهنگی جامعه، شناخت علل و زمینه های اجتماعی ارتکاب جرم و برطرف کردن آنها، از شکل گیری تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری شود. همچنین با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی رفع مشکلات آحاد جامعه (نظیر فقر و بیکاری) و تأمین نیازهای حیاتی و تقویت نهادهای اجتماعی (همانند خانواده و مدرسه) و ترویج اخلاق و ارزش های انسانی، مانع از کشیده شدن افراد به زندگی مجرمانه گردد. قرآن کریم بیش از همه، به اصلاح و تربیت افراد و سوق دادن آنان به اخلاق و کارهای نیک و جلوگیری انسان ها از ارتکاب جرم و گناه، اهتمام ورزیده است تا جایی که رسالت اصلی این کتاب آسمانی را هدایت و اصلاح جامعه انسانی قلمداد کرده است. اصلی ترین و مهمترین آموزه قرآن برای پیشگیری از جرایم و ناهنجاری های اجتماعی، آموزه های تربیتی و اصلاحی است. به گونه ای که آموزه ها و شیوه های دیگر (نظیر پیشگیری کیفری و وضعی) امر فرعی در فرآیند مبارزه با جرم محسوب می شوند. (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۱۱۱) در ذیل، به برخی از آموزه های تربیتی و اصلاحی قرآن اشاره می شود:

۱- دین باوری و پرورش روحیه دینداری

آموزه ها و باورهای دینی و ترویج و تقویت آنها علاوه بر اینکه رشد و تعالی روحی و معنوی انسان را تضمین می نماید و او را به هدف والایی که برای آن خلق شده نزدیک می کند، نقش خارق العاده ای در کاهش و پیشگیری از وقوع جرم و انصراف درونی انسان از اعمال مجرمانه و تبهکارانه دارد و حتی افراد را از دست زدن به اعمالی که دون شأن و منزلت انسانی آنهاست باز می دارد. هر قدر عمق این باورها در وجود انسان بیشتر باشد به همان میزان تأثیرگذاری آنها بر رفتار انسان بیشتر خواهد بود. در مقابل، منشأ بسیاری از جرایم و گناهان، فقدان یا ضعف دینداری



افراد می باشد. از این رو، متولیان فرهنگی و مذهبی برای تقویت هر چه بیشتر اعتقادات و ایمان مذهبی و جلوگیری از ضعف و افول آنها، باید تدابیر و اقداماتی را اتخاذ نمایند. منابع دینی ما، بخصوص قرآن، به معرفی حقایق پرداخته اند که هم از بعد علمی و یقینی در اصلاح رفتار ما تأثیر اساسی دارد و از انحراف و کژروی انسان پیشگیری می کند و هم از بُعد ایمانی و اعتقادی در رفتار و اعمال ما تأثیر ژرف و عمیقی دارد. (همان: ۴۷) در ذیل، به مهمترین آنها اشاره می شود:

علم و یقین به حقایق و معارف: از بُعد علمی، قرآن کریم حقایق نظیر وجود خدا را با آن اوصاف و ویژگی ها، معاد و پاداش و کیفر بر طبق اعمال خوب و بد انسان و... معرفی کرده است که هر انسان مسلمانی ملزم است به این حقایق و معارف بر اساس ادله عقلی متقن، علم و یقین پیدا کند؛ سپس نسبت به آنها ایمان و باور عمیق داشته باشد. این علم و یقین در اصلاح رفتار و پیشگیری او از انحراف و ارتکاب گناهان تأثیر بسزائی دارد؛ زیرا یکی از عواملی که در رفتار ما نقش تعیین کننده علم و آگاهی درست است. در واقع، این بینش ماست که به گرایش ها و رفتارهای ما جهت می دهد. نوع انتخاب هر کس در هر زمینه ای، بستگی تام به میزان بینش و آگاهی او دارد. (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۴۸) به همین دلیل قرآن دستور می دهد که تنها از علم و یقین پیروی کنید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»^۱ هرگز از چیزی که به آن علم نداری پیروی مکن. این کتاب آسمانی بر اصلاح بینش ها و نگرش ها تأکید فراوانی کرده و از انسان ها خواسته است که گزینش هایشان مبتنی بر علم و آگاهی درست باشد نه از روی تقلید، تعصب، لجاجت، ظن و گمان، میل ها و هواهای نفسانی^۲. قرآن کریم گرایش های مقلدانه، متعصبانه و لجوجانه را به شدت مورد نکوهش قرار داده است. (آزادفلاح، ۱۳۹۷: ۷۹).

اعتقاد به علم نامحدود الهی: یکی از مهمترین اعتقادات بازدارنده از ارتکاب گناهان و جرایم، علم و آگاهی نامحدود خداوند به همه موجودات و از جمله انسان و اعمال و رفتار اوست. از نظر قرآن، همه موجودات در محضر خداوند قرار دارند: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً»^۳ خداوند بر هر

^۱ - سوره اسراء، آیه ۳۶.

^۲ - صفاری، علی، همان، ص ۱۱۴.

^۳ - سوره نساء، آیه ۳۳.



چیز شاهد و ناظر است. هیچ چیزی در آسمان و زمین بر خدا مخفی و پنهان نیست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»^۱ خداوند همه چیز را می بیند و تحت اشراف علمی او می باشد: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ»^۲ آیا او نمی داند که خداوند همه اعمال او را می بیند؟ خداوند حتی از مخفی ترین مخفی ها نیز آگاه است: «وَأِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ»^۳ اگر سخن آشکار بگویی (یا مخفی کنی) او پنهانی ها و حتی پنهان تر از آن را نیز می داند. انسان نیز به عنوان جزئی از عالم هستی تحت نظارت و احاطه علمی خدای متعال قرار دارد. علاوه بر اعمال و رفتار ظاهری انسان، فکر، نیت، خطورات قلبی و حدیث نفسی او نیز برای خداوند علوم و مشهود است: «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ»^۴ اوست خداوند در آسمانها و در زمین، پنهان و آشکار شما را می داند و از آنچه (انجام می دهید و) به دست می آورید باخبر است. نیز می فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ»^۵ ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم. «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۶ و او با شماست هر جا که باشید و خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست. ایمان و اعتقاد به این آموزه ها موجب می شود که انسان همیشه خود را تحت احاطه علمی بی پایان و نظارت دقیق خداوند متعال بداند و نه تنها در ظاهر از کژروی ها و اعمال ناپسند خودداری کند، بلکه در باطن نیز افکار ناپسند و نیت شوم را به دل راه ندهد. از آن رو که اعمال و رفتار انسان تبلور افکار و مقاصد اوست، طبیعی است که با کنترل افکار و اندیشه ها، رفتار انسان نیز اصلاح، و ریشه انحراف و ناهنجاری ها از بن قطع خواهد شد. (خسروشاهی، ۱۳۸۲: ۴۳) مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب واقعاً در دل او رسوخ کرده و به صورت یک باور قطعی رسیده باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶۸)

^۱ - سوره آل عمران، آیه ۵.

^۲ - سوره علق، آیه ۱۴.

^۳ - سوره طه، آیه ۷.

^۴ - سوره انعام، آیه ۳.

^۵ - سوره ق، آیه ۱۶.

^۶ - سوره حدید، آیه ۴.



حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم: «برترین مرحله ایمان انسان این است که بداند هر جا که باشد خدا با اوست» (سیوطی، بی تا: ۱۷۱) در روایتی دیگر آمده است: «اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» خدا را آنچنان عبادت کن که گویی او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، او تو را به خوبی می بیند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۴)

امام موسی کاظم (ع) نیز به یکی از فرزندان خود می فرماید: «فرزند عزیزم، پرهیز از اینکه خداوند تو را در حال ارتکاب معصیتی ببیند که از آن منع کرده است، و پرهیز از اینکه خدای تعالی تو را در مقام طاعتی که به آن مأمورت ساخته است نیابد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۰۸)

ایمان و التزام عملی به توحید در عبادت: از نظر اسلام، مؤمن و موحد واقعی کسی است که علاوه بر اعتقاد راسخ به توحید ذاتی، صفاتی و افعالی، به توحید در عبادت و اطاعت خدا نیز ملتزم و پایبند باشد. تا انسان همه مراحل توحید را طی نکند، مؤمن و موحد واقعی محسوب نمی شود. (مطهری، ۱۳۷۷: ۹۹) مفهوم توحید در عبادت این است که انسان اولاً، تنها خود را مورد پرستش، تقدیس و تنزیه قرار دهد؛ در غیر این صورت، از جرگه اهل توحید و حوزه اسلام خارج خواهد بود. و ثانیاً، باید در تمام امور زندگی مطیع و تسلیم محض در مقابل خداوند باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۶)

«وَمَا أُمِرُوا لِيُعْبَدُوا إِلَهًا وَاحِدًا إِلَّا إِلَهُ الْهُوَ»^۱ پیروی از شیطان و هوای نفس با روح عبودیت و بندگی منافات دارد و همچنین فرمانبری و اطاعت بدون قید و شرط افراد دیگر جایز نیست. قرآن در مذمت اهل کتاب می فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»^۲ طبیعی است وقتی انسان در مقام عمل، موحد واقعی و مطیع اوامر و نواهی الهی باشد، از ارتکاب جرایم که به شدت با مقام عبودیت او تنافی دارد و مورد نهی خداست، خودداری می کند و در میدان تلاش و مسابقه به منظور دستیابی به مقام قرب الهی، به سوی نیکی ها و اعمال پسندیده می رود و به مرحله ای از

^۱ - سوره توبه، آیه ۳۱.

^۲ - همان.



رشد و تعالی معنوی می رسد که هرگز تمایل به ارتکاب گناه و جرایم در او پدید نمی آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷۰)

ایمان به معاد و دادگاه عدل الهی: یقین به قیامت و روز جزا نقش مهمی در پیشگیری و کاهش جرایم و مفساد دارد؛ زیرا انسان از نظر خواست طبیعی و فطری منفعت خواه، و از ضرر و زیان خویش به شدت متنفّر و گریزان است. جلب منفعت و دفع ضرر، اعم از مادی و معنوی، در تمام ادوار زندگی محور فعالیت های او را تشکیل می دهد. اسنان عاقل هیچ گاه آگاهانه دست به کاری نمی زند که صد در صد به ضرر او باشد. (صدر، بی تا: ۴۶) بر این اساس، کسی که به وجود خدا و دادگاه عدل الهی علم و ایمان دارد، می داند که ارتکاب جرایم، قانون شکنی، تعدی به حقوق دیگران و عدم پایبندی به اخلاق و ارزش های انسانی به دلیل عذاب ها و شکنجه های طاقت فرسای اخروی، «ضرر محض» است و بلکه زیان و خسران بالاتر از آن تصور نمی شود. شدت عذاب به گونه ای است که طبق آیات صریح قرآن، گنهکار دوست می دارد عزیزترین عزیزان خویش، یعنی فرزندان، همسر، بردار، فامیل و قبیله اش که همواره از او حمایت می کردند، بلکه تمام کسانی را که در روی زمین هستند فدا کند تا مایه نجات او در برابر آن عذاب هولناک گردد (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۰۲): «يُودُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمئِذٍ بِنِسْهِ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ»^۱. عذاب الهی آنچنان وحشتناک و هول انگیز است که ظالمان حاضرند بزرگترین رشوه ای را که می توان تصور کرد، برای رهایی از آن پرداخت کنند اما کسی از آنها نمی پذیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۱۵): «وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۲. دو آیه اول سوره «حج» مقدمات هول انگیز و وحشتناک قیامت و زلزله عظیم رستاخیز را به تصویر کشیده و عموم مردم را بدون استثنا مورد خطاب قرار داده و به آنها هشدار می دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ

^۱ - سوره معراج، آیه ۱۱.

^۲ - سوره یونس، آیه ۵۴.



حَمَلُ حَمَلُهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَ مَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ^۱. ای مردم! از پروردگارتان بترسید، و پرهیزگاری پیشه کنید که زلزله رستاخیز، جریان مهم و عظیمی است. روزی که زلزله رستاخیز را مشاهده کنید آنچنان وحشت سر تا پای همه را فرا می‌گیرد که مادران شیرده از کودک شیرخوار غافل می‌شوند و هر بارداری (در آن صحنه باشد) جنین خود را سقط می‌کند. مردم را به صورت مستان می‌بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است که اینچنین هول و وحشت به دل‌ها افکنده و انسان‌ها را از خود بی‌خود ساخته است. (صفاری، ۱۳۸۰: ۷۷)

۲- ترویج اخلاق و ارزش‌های انسانی

منابع دینی ما دارای غنی‌ترین و والاترین اصول و ارزش‌های اخلاقی است که نمونه‌های آن را در هیچ مکتب دیگری نمی‌توان یافت. هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام به معرفی حقایق اخلاقی نپرداخته و به نقش والای اخلاق در تعالی روحی و معنوی انسان تأکید نکرده است. اسلام نهایت سعی خود را در ترویج، گسترش و نهادینه کردن اخلاق و ارزش‌های انسانی و زدودن رذایل و صفات مذموم اخلاقی نموده است. هدف اصلی اسلام از این کار در درجه اول، دستیابی افراد به تعالی روحی و معنوی و در درجه دوم، حل مشکلات و تنظیم روابط اجتماعی آنان است. طبیعی است اگر افراد جامعه‌ای خود را به ارزش‌ها و کمالات اخلاقی بیارایند، نه تنها به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کنند و مرتکب جرم و جنایت نمی‌شوند، بلکه از اموال و امکانات شخصی خود نیز در راه احسان، نیکی، ایثار، انفاق، خدمت به مردم، صدقه و... در جهت رفع مشکلات و گرفتاری دیگران بهره می‌گیرند. حاکمیت این فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی در یک جامعه سرمایه‌گرا نبها و پشتوانه‌ای غنی و مطمئن است که افراد آن را از بسیاری از کجروی‌ها و انحرافات فکری و عملی مصون می‌دارد. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۳۳) بالعکس، اگر در جامعه‌ای به جای کمالات و ارزش‌های مثبت اخلاقی، رذایل و صفات مذموم و منفی اخلاقی، نظیر خودخواهی، شهوترانی، منفعت‌طلبی، حرص و طمع، دنیاپرستی و... رشد و گسترش یابد، آمار جرایم و جنایات به گونه‌

^۱ - سوره حج، آیه ۲.



وحشتناکی سیر صعودی پیدا خواهد کرد. تأثیر صفات منفی اخلاقی در پیدایش رشد و گسترش جرایم بسیار روشن است. مثلاً یکی از دلایل عمده ارتکاب جرایم مالی، حرص و طمع بسیار است که باعث به وجود آمدن جرایمی از قبیل کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت، غصب و... می شود (خسروشاهی، هان: ۲۳۳) حضرت علی (ع) سرچشمه بسیاری از شرارت ها و تبهکاری ها را رذایل اخلاقی می داند: «سِلَاحُ الشَّرِّ الْحَقْدُ» (تمیمی، ۱۴۰۵ ق ص ۲۹۹) کینه توزی سلاح شرارت است. نیز می فرماید: «سَبَبُ الْفِتَنِ الْحَقْدُ» (همان، ص ۳۰۰). کینه توزی علت فتنه هاست. آن حضرت همچنین حرص و آز را موجب بسیاری از ناهنجاری ها می داند: «الْحَرِصُ مُوقِعٌ كَثِيرِ الْعُيُوبِ (كَبِيرِ الذُّنُوبِ)» (همان، ص ۳۰۲). در اینجا به تناسب آیات مورد بحث، تنها به دو نمونه از ارزش های اخلاقی که نقش مؤثری در پیشگیری از جرایم دارد اشاره می شود:

تقوا عامل بازدارنده از جرم: در آیات متعدد قرآن، از تقوا به عنوان مهمترین ارزش اخلاقی یاد شده است که انسان را به انجام وظایف خود و اجتناب از گناهان و جرایم ملزم می داند. کسی که متصف به این صفت والا و گرانبها باشد همواره دامنش از آلودگی ها پاک خواهد بود. تقوا در اصل از ماده «وقایه» به معنای نگهداری یا خویشتن داری است و در اصطلاح آیات و روایات، به معنای نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات و ارتکاب جرم و گناه حفظ می کند. در مقابل، بی تقوایی همان تسلیم شدن در برابر شهوات سرکش و از بین رفتن هرگونه کنترل بر آنهاست و در واقع، تقوا همان احساس مسئولیت و تعهدی است که به دنبال رسوخ ایمان در قلب بر وجود انسان حاکم می شود و او را از «فجور» و گناه باز می دارد و به نیکی و پاکی و عدالت دعوت می کند. (صفاری، ۱۳۸۰: ۷۹) افراد پاکدامن، با احساس احتمال گناه به خود می لرزند و به خدا پناه می برند. برای مثال، هنگامی که جبرئیل در خلوتگاه حضرت مریم (س) وارد شد و وی خیال کرد او انسانی است که به قصد سوء آنجا آمده است، برای اینکه او را از این قصد سوء باز دارد، روی این صفت والای انسانی و عامل پاکدامنی و بازدارنده از جرم و گناه انگشت گذاشت؛ صفتی که هر انسانی از نفی آن کراهت دارد و اعتراف به نداشتن آن، برای او بسیار گران است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۳)



«قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا»^۱ گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می برم، اگر تقوا داری (از من دور شو). (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۵۴)

احکام و مقررات پیشگیرانه: یکی دیگر از تدابیر اسلام برای پیشگیری از جرایم، احکام عبادی و الزامی مربوط به مسائل فردی و اجتماعی است. این احکام علاوه بر سوق دادن انسان به سوی کمال نهایی، نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرایم و انحرافات اجتماعی دارد. این احکام در منابع دینی، در قالب واجبات و محرمات مطرح شده است که رعایت آنها ضروری است و نقض آنها علاوه بر عقوبت اخروی، موجب مجازات دنیوی نیز می شود. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۵۵).

برای نمونه، نماز به عنوان یکی از واجبات اسلامی، همواره انسان را به یاد خدا و بازگشت به سوی او متذکر می شود. در صورتی که این تذکر دائمی و مستمر، همراه با کلیه شرایط و آداب آن انجام می شود. علاوه بر اینکه از فحشا و منکرات و هرگونه انحرافات اخلاقی و رفتاری جلوگیری می کند، موجب صعود و عروج انسان به بالاترین درجه کمال نیز می شود.^۲ قرآن در این باره می فرماید: «اقِمِ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»^۳. نماز به پا دار، که نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه باز می دارد و یاد خدا بزرگتر است. یکی دیگر از احکام الزامی پیشگیرانه، روزه داری است که در واقع، نوعی تمرین تسلط و کنترل بر خواسته ها و تمایلات نفسانی است. انسان در هنگام انجام این تکلیف الهی ملزم است که در ساعات معینی از انجام بسیاری کارهای مباح خودداری کند، برای مثال، در مقابل شدت عطش تشنگی و تمایل شدید گرسنگی مقاومت کند، نیز تن به خواسته تمایلات سرکش جنسی ندهد، تا توسط این تمرین روزانه در جهاد اکبر در مقابل مهمترین عامل ارتکاب جرم و گناه، که هواهای نفسانی و خواسته نامشروع نفس باشد، فایق آید و توانایی مقاومت او افزایش یابد. در نتیجه، طعم ثمره شیرین این مقاومت را، که ملکه تقوا و پرهیزگاری می باشد، با تمام وجود بچشد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۵۸) قرآن در این زمینه چنین

^۱ - سوره مریم، آیه ۱۸.

^۲ - همان، ص ۵۶.

^۳ - سوره عنکبوت، آیه ۴۵.



تصریح می‌کند: «يَا أَيُّهَا آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ ای افرادی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند نوشته شد تا پرهیزگار شوید. (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۷).

بند دوم: پیشگیری وضعی

در پیشگیری وضعی سعی بر این است که از طریق سلب یا کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم و کنترل و مدیریت صحنه آن، وقوع و ظهور جرم ممتنع یا دشوار شود. هدف از آن نیز ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم، به رغم تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه، از محقق نمودن قصد خود ناتوان گردد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۶۰). مثلاً با غیر قابل دسترس کردن آماج و اهداف جرم و اتخاذ تدابیری برای حفاظت از اموال و افراد در معرض حملات احتمالی بزه کاران و ایجاد محدودیت برای استفاده از ابزار تسهیل کننده ارتکاب جرم و ایجاد موانع در برابر عملیات احتمالی مجرمان، وقوع جرم را غیرممکن ساخته و یا کوشش و زحمات و خطرات ارتکاب آن افزایش داده شود. نیز با استفاده از فن آوری روز و نصب دستگاه های مراقبتی نظیر دوربین های مخفی، دزدگیر و... میزان خطر دستگیری یا شناخته شدن مرتکب افزایش یابد و یا دست کم دستاوردها و سودهای حاصله مورد نظر مجرمان کاهش داده شود. همچنین با از بین بردن عواملی که باعث تحریک یا تشویق افراد به ارتکاب جرم می شود، از وقوع جرم پیشگیری به عمل آید. این ایده چیزی جز یک درک و فهم ساده نیست که بنابر آن، افراد برای حفظ خانه خود از دستبرد دیگران بر درب های آن قفل و شب بندهای خوب نصب می کنند. طبق ضرب المثل معروف «مال خود را حفظ کن، همسایه را متهم به دزدی نکن» در واقع، با این روش از پیشگیری، وضعیتی ایجاد می شود که تحقق عمل مجرمانه را دشوار و پرخطر یا ناممکن می سازد؛ از این رو، به این شیوه، «پیشگیری وضعی» گفته می شود (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۰: ۶۱). بنابراین، پیشگیری وضعی، بیشتر با حمایت از اهداف و آماج جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه دیدگی افراد یا آماج ها در برابر بزه کاران است. (خسروشاهی، همان: ۷۷) بدون



شک، یکی از مؤثرترین عوامل وقوع و شیوع جرم، سهل الوقوع بودن و وجود شرایط مادی مناسب برای ارتکاب آن است. بر هم زدن این شرایط و تبدیل کردن آنها به شرایط پرخطر و صعب الوصول برای مجرمان بالقوه، نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. در این رویکرد، بزه دیده سنگ بنای پیشگیری را تشکیل می دهد و با اتخاذ اقدامات متعدد و متناسب، سعی در پیشگیری از تجاوز به آن می شود؛ چون در مواردی «بزه دیده» اعم از انسان، حیوان یا ثروت افراد بیشتر در معرض بزه دیدگی قرار می گیرد و مجرمان انگیزه بیشتری پیدا می کنند که آنان را مورد طعمه خویش قرار دهند. دلایل این امر را می توان در عدم حفاظت مناسب از آنان و دسترسی آسان به آنها و جذابیت بالا، سطح شعور پایین و نیز توانایی اندک آنان در دفاع از خود، خلاصه کرد. بنابراین، افراد دارای سطح شعور پایین و نیز کودکان و کهنسالان به لحاظ اینکه توان لازم را برای دفاع از خود ندارند، بیشتر در معرض بزه دیدگی قرار می گیرند. زنان نیز به خاطر جذابیت بالای آنان برای افراد مجرّد و همچنین غلبه عواطف و احساساتشان، طعمه های خوبی برای تجاوز و فریب به شمار می روند. همچنین بیگانگان و مهاجران و افراد بی یار و یاور و ناآشنا با محیط بیش از دیگران مورد طمع مجرمان و زورگویان واقع می شوند. به همین دلیل، برخی معتقدند که با ارائه آموزش های خاص به بزه دیدگان بالقوه و تدابیر فنی و اقداماتی نظیر بیمه، تأسیس خانه سالمندان و... می توان از بزه دیدگی افراد پیشگیری کرد. نتیجه اینکه حفاظت از بزه دیده هدف اصلی پیشگیری کیفری می باشد، برخلاف دو دیدگاه پیشگیری کیفری و اصلاحی، که مجرم محور هرگونه اقدام اصلاحی و کیفری را تشکیل می دهد (تاج زمان، ۱۳۹۸: ۱۵).

بند سوم: پیشگیری کیفری

منظور از پیشگیری کیفری بهره گیری از جنبه های ارباب آمیز و هراس انگیز مجازات ها برای جلوگیری از وقوع جرم است. با این بیان که مجازات ها ذاتاً رنج آور و آزار دهنده هستند و درد و ناراحتی جسمی و روحی طاقت فرسایی را بر مجرم تحمیل می کنند. هیچ عاقلی با اراده و اختیار از تحمل چنین رنج و المی استقبال نمی کند (نوربها، ۱۳۶۹: ۳۴۵) به علاوه، مجازات ها رسوا کننده و تحقیر کننده هستند؛ چون حاکی از این است که مجرم عمل زشت و ناپسندی را که فطرت پاک هر انسانی از آن تنفر دارد، انجام داده و ارزش های اجتماعی مورد قبول همگان را لگدمال کرده



است. همچنین امنیت جامعه را مختل نموده و خبث باطن و حقارت و کاستی شخصیت خویش را به معرض نمایش گذاشته است. از این رو، مجازات‌ها حیثیت فردی و اجتماعی مجرم را از بین می‌برند. لکۀ ننگ و رسوایی بعضی از مجازات‌ها، همانند قصاص طرف و قطع دست، تا ابد در بدن مجرم باقی می‌ماند و او را انگشت نما می‌کند. به دلیل همین دو ویژگی رسواگری و رنج آوری مجازات‌ها، همه افراد از گرفتار شدن در دام آنها می‌ترسند و مجازات جنبه رعب آوری پیدا می‌کند و اعمال آن، هم مجرم را از ارتکاب مجدد جرم منصرف می‌کند و هم موجب عبرت‌گیری و بازدارندگی سایر افراد می‌شود که بالقوه اندیشه ارتکاب جرم را در سر می‌پرورانند. به هر اندازه که احتمال اعمال ضمانت اجراهای کیفری بیشتر شود، به همان نسبت جرم شیوع کمتری خواهد داشت؛ یک رابطه مستقیم ریاضی بین افزایش ارباب و کاهش جرم حاکم است. بدین ترتیب، کیفر عامل پیشگیری‌کننده از جرم محسوب می‌شود.^۱ قرآن با جرم‌انگاری برخی از رفتارها همچون قتل، سرقت، ضرب و جرح، زنا و... و تعیین مجازات عادلانه برای مرتکبان آنها، جامعه بشری را به پیشگیری کیفری از جرم رهنمون کرده است (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۸۸) از جمله، درباره مجازات زنا می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِئَةَ جَلْدٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» زن و مرد زناکار را هر یک صد تازیانه بزنید. هرگز نباید در اجرای این حد الهی گرفتار رأفت (و محبت کاذب) شوید، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید. و باید گروهی از مؤمنان حضور داشته باشند و مجازات آن دو را مشاهده کنند. در این آیه، تأکید می‌کند که در اجرای این حد الهی نباید گرفتار محبت‌ها و احساسات بی‌مورد شد؛ چون نتیجه‌ای جز فساد و آلودگی اجتماع به بار نخواهد آورد. برای خنثی کردن تأثیرات این گونه احساسات و ترحم بی‌جا، مسئله ایمان به خدا و روز جزا را پیش می‌کشد، چرا که بارزترین نشانه ایمان به این دو، تسلیم مطلق در برابر دستورات او است. ایمان به خداوند عالم حکیم سبب می‌شود که انسان بداند هر حکمی فلسفه و حکمتی دارد و بی‌دلیل تشریع نشده، و ایمان به معاد سبب احساس مسئولیت انسان در برابر تخلف‌ها می‌

^۱ - همان، ص ۳۴۶.

^۲ - سوره نور، آیه ۲.



شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۱) قرآن برای اینکه کیفر نقش بیشتری در پیشگیری مجرمان و سایر افراد جامعه از ارتکاب جرم ایفا کند، راهکارهایی را ارائه داده است؛ از جمله اینکه مجازات به صورت علنی اجرا شود. اگر مجازات به صورت مخفیانه انجام شود، هر چند درد و رنج جانکاهی را بر مجرم تحمیل می کند، ولی فاقد ویژگی رسواکنندگی است و تأثیر چندانی در عبرت آموزی و بازدارندگی خود بزهکار و سایر افراد مستعد برای ارتکاب جرم ندارد. این واقعیت را نیز از نظر نباید دور داشت که بسیاری از مردم برای حیثیت و آبروی خود بیش از مسئله تنبیهات بدنی اهمیت قایلند. برای اینکه این هدف مهم و مورد انتظار از کیفر محقق گردد، باید مجازات به صورت علنی اجرا شود تا همه افراد از نزدیک شاهد درد و رنج و افضاح و تحقیر ناشی از مجازات مجرم باشند و این حقیقت تلخ را با تمام وجود دریابند که اگر روزی دست از پا خطا کنند، چنین سرنوشت شومی در انتظار آنها نیز خواهند بود. (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۹۰) به همین دلیل، قرآن می فرماید: «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ». با این بیان، این سؤال روشن می شود که چرا اسلام اجازه می دهد موجبات آبروریزی انسانی در حضور جمع فراهم گردد؟ پاسخ این است: مادام که گناه آشکار نگردیده و به دادگاه اسلامی کشیده نشده باشد، خداوند «ستار العیوب» راضی به پرده دری نیست، اما بعد از ثبوت جرم و بیرون افتادن راز از پرده استتار، و آلوده شدن جامعه و کم شدن اهمیت جرم، باید مجازات به گونه ای اعمال شود که اثرات منفی جرم خنثی شود و عظمت و قبح جرم به حال نخستین باز گردد. اصولاً در یک جامعه سالم باید «تخلف از قانون» با اهمیت تلقی شود. مسلماً اگر تخلف تکرار گردد، آن اهمیت شکسته می شود و تجدید آن تنها با علنی شدن کیفر متخلفان است که به نوبه خود ترمز نیرومندی در برابر هوس های سرکش همه اقشار جامعه است. (میرخلیلی، ۱۳۸۰: ۳۶۳)

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت اینترنت به عنوان یک شبکه عظیم که طیف وسیعی از اطلاعات را بدون هیچگونه محدودیتی به فراسوی مرزهای جغرافیایی در همه نقاط جهان منتشر می کند، شناخته می شود. این پدیده فراگیر قرن بیستم، شبکه ای است که میلیون ها نهاد خصوصی، عمومی، دانشگاهی و تجاری را با ارائه وسیعی از فناوری های الکترونیک و



نوری به هم متصل کرده و در برگیرنده منابع اطلاعاتی و خدمات گسترده ای است که برجسته ترین آنها وب جهان گستر و پست الکترونیک است. طبق آیات متعدد قرآن، که به طور صریح به اتخاذ تدابیر به حفاظت از مجنی علیه و افراد در معرض تهاجم و اموال آنها دستور می دهد، این حقیقت به روشنی اثبات می شود که شیوه پیشگیری وضعی، محصول نظریه پردازی متفکران غربی نیست، بلکه قدمت و سابقه این دیدگاه به زمان نزول این آیات برمی گردد و پیشگیری از فساد و فحشا در تمامی عرصه ها (حتی در فضای مجازی) امری ضروری است. اگر بتوان زمینه بروز انگیزه مجرمانه سایبری را با برنامه های آموزشی و تربیتی هدایت نمود می توان امیدوار بود با کمترین هزینه ممکن اقدام مناسب صورت پذیرد. زیرا عمده مخاطبان مورد نظر و هدف اقدامات پیشگیرانه اجتماعی، جوانان و نوجوانان اند که انجام این امور در آنجا نتیجه بخش خواهد بود. البته در تحقق این امر، موانعی نیز وجود دارد که برخی به ماهیت این گونه جرایم مربوط است و در جرایم وقوع یافته در دنیای فیزیکی نیز وجود دارد؛ مانند مشخص و عینی بودن نتایج و همچنین تأخیر در بازدهی تدابیر. از سوی دیگر، خصوصیات فضای سایبر برای افراد، محیطی خلوت و به دور از تعرض و توجه تلقی می شود که می توانند به نیازها و امیال جنسی خود، به دور از هرگونه مانعی فائق آیند. بنابراین برای تأثیرگذاری بیشتر تدابیر پیشگیرانه اجتماعی در فضای سایبر باید به حل و فصل تعاملات فرهنگی و قومی و مذهبی پردازیم. اما نباید این نکته را فراموش نمود که بسیاری از افراد، به رغم اعمال تدابیر مذکور در دوره شکل گیری شخصیت شان، آن اعمال نابهنجار را مرتکب می گردند یعنی تدابیر پیشگیرانه اجتماعی در آنها کار ساز نیست. بنابراین لاجرم باید نسبت به فرایند اقدامات مجرمانه آنها به طریق سلب ازار و فرصت ارتکاب جرم، اخلال ایجاد نمود که وظیفه این امر به عهده تدابیر پیشگیرانه وضعی است.



منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد.....

۱. آزادفلاح، راحله، ۱۳۹۷. جرایم کامپیوتری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران، واحد علوم تحقیقات.
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۹، آیین دادرسی کیفری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳. بای، حسین علی و پورقهرمان، بابک، ۱۳۸۸، بررسی فقهی حقوقی جرایم رایانه ای، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۴. تاج زمان، دانش، مجرم کیست؟ ۱۳۹۸. انتشارات کیهان، تهران.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶. غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۸. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۷. جلالی فراهانی، امیرحسین، و باقری اصل، رضا، ۱۳۸۶، پیشگیری اجتماعی از جرائم و انحرافات سایبری، نشریه مرکز پژوهش های مجلس، شماره ۵۵-۶۵-۹۳.
۸. حاجی ده آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۰. پیشگیری از جرم، در: دانشنامه امام علی (ع)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، از ص ۱۱۰ تا ۱۳۶.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۷ ه. ق وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مکتب اسلامی تهران،
۱۰. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۰۷، مبانی تکمله منهاج، موسسه آل البيت، قم، ج ۲.
۱۱. خراسانی، علیرضا، ۱۳۸۱. ابزاری بین المللی برای جرم، روزنامه جام جم، ویژه نامه تیش، ۹ بهمن.
۱۲. خسروشاهی، قدرت الله، ۱۳۸۲، پیشگیری از جرم در آموزه های قرآنی، بصیرت، ش ۳۰-۳۱، ص ۵۵-۷۳.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، ۱۳۷۴ المفردات فی غریب القرآن، ترجمه خسروی حسینی، سیدغلامرضا، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم.



۱۴. رجبی پور، محمود، ۱۳۸۳، درآمدی بر پیشگیری مقتدرانه پلیس از جرم، دانشگاه علوم انتظامی ناجا، سال ششم، شماره ۲.
۱۵. ستوده، هدایت الله، ۱۳۷۸. جامعه شناسی انحرافات، انتشارات آوای نور، چاپ پنجم، تهران.
۱۶. سخاوت، جعفر، ۱۳۷۴. جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام نور،
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۱۴۰۳ ه. ق الخصال، قم، نشر جامعه مدرسین قم.
۱۸. صمدی، محمد، ۱۳۷۶، فحشا در آیات و روایات، نشر بامداد، تهران.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ه. ق. من لایحضر الفقیه، قم، انتشارات اسلامی، چ دوم،
۲۰. صفاری، علی، زمستان ۱۳۸۰، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، تحقیقات حقوقی، ش ۳۳-۳۴، ۲۶۷-۳۲۱.
۲۱. صناعی، علی، ۱۳۸۹. تجارت الکترونیکی در هزاره سوم تهران، انتشارات ققنوس.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴. المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، چ پنجم.
۲۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۳۸۷، الروضه البهیة فی شرح لمعه، ترجمه حمید مسجدسرای، قم، انتشارات حقوق اسلامی، چاپ دوم.
۲۴. عروسی حویزی، عبدعلی، ۱۴۱۵ ه. ق. تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، چ چهارم.
۲۵. عمیدی، مهدی، ۱۳۸۷. مطالعه تطبیقی جرایم رایانه ای از دیدگاه فقه و حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.
۲۶. عنصری فرد، عباس، ۱۳۸۵. جریحه دار کردن عفت عمومی در حقوق ایران، تهران، انتشارات مجد،
۲۷. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳. تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چ یازدهم.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ه. ق. بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ط: الثانية.
۲۹. محمدی، ابوالحسن، ۱۳۸۸. مبانی استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. منصور، جهانگیر، ۱۳۸۹، قانون مجازات اسلامی، تهران. نشر امیر کبیر.



۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷. مجموعه آثار، تهران، صدرا، چ هشتم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ یازدهم.
۳۳. میرخلیلی، محمود، تابستان ۱۳۹۷، پیشگیری وضعی از نگاه آموزه های اسلام، فقه و حقوق، ص ۵۹-۸۱.
۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۰، تقریرات جرم شناسی، تنظیم محمد علی بابایی، دوره دکترای دانشگاه تربیت مدرس.
۳۵. نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۸. جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. نوربهار، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ۱۳۶۹. تهران، کانون نشر و کلاهی دادگستری.
۳۷. نیازپور، امیرحسن، ۱۳۹۹، پیشگیری از بزه کاری در قانون اسلامی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم. مجله دادگستری، شماره ۵۹.
۳۸. گسن، ریموند، ۱۳۷۰، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مترجم.